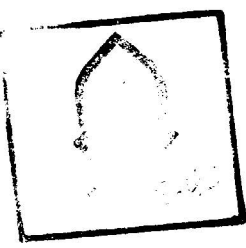


۱/۱۲



ع. ۸۷:
الحاق (درگاه)

۱۳۸۱ / ۴ / ۸

بسمه تعالی

دانشکده علوم اداری و مدیریت یازرگان

دانشگاه تهران

وزارت بهداشت و درمان
تیم مدیریت

بایان نامه فوق لیانس

موضوع : بررسی رهبری تطبیقی در اسلام (نظری و عملی)

استاد راهنما : جناب آقای دکتر میرزائی

۱ - جناب آقای فریودی

استادان مشاور

۲ - جناب آقای دکتر پاک

تهیه کننده : محمد میرشاهی

مرداد ماه ۱۳۶۲

۱۳۶۹ / ۹ / ۱

۳۲، ۳، ۲۹

۱۳۶۹ / ۹ / ۲۹

(خوب)

ع. ۶۲۷

ع. ۶۲۷

۱۳۸۱

۲
تقدیم بیه :

استاد دانشمند جناب آقای دکتر میرزائی که در تمام
مدت تهیه این رساله بایز رگواری و حوصله تمام
مرارانهائی نمودند و چنانچه ارشادات عالمانه
ایشان نبود، تهیه این رساله نیز ممکن و میسر نمی بود.

۳

تقديم به:

همه رهروان راستين اسلام، رهرواني كه فكر، اندیشه
و زندگي خود را وقف تحقق اصول عاليه اسلام نموده‌اند.

۲۷ ۰۶ ۸۰

۲۷ ۰۶ ۸۰ ✓

تقدیم به :

پدرو ما درم ، بخاطر دنیائی رنج و زحمت که در طول

تحصیلاتم متحمل شده اند ، زحمتیکه هیچگاه فرصت

حیران آن برایم فراهم نگشت است .

تقدیم ہے :

همسرم كه دلسوزانه مشوق و همكار من در تهيه
اين پايان نامه بوده است

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
	مقدمه الف
۱	فصل اول : کلیات
۱	انگیزه تحقیق
۲	زمان تحقیق
۲	روش تحقیق
۳	تعریف موضوع
۵	مفاهیم و اصطلاحات
۱۸	فصل دوم : رهبری
۱۹	مبحث اول ، اهمیت رهبر و رهبری
۲۲	مبحث دوم ، تعریف رهبری
۲۶	مبحث سوم ، عناصر رهبری
۳۱	مبحث چهارم ، مباحثی قدرت رهبر
۳۵	مبحث پنجم ، شیوه های رهبری
۴۳	خلاصه گفتار
۴۵	فصل سوم : رهبری اسلامی
۵۰	مبحث اول ، فلسفه ظهور اسلام
۵۳	مبحث دوم ، ویژگیهای رهبری اسلامی
۸۷	مبحث سوم ، منابع تعیین کننده خط مشی رهبری در اسلام
۹۵	مبحث چهارم ، تفاوت دیدگاههای شیعه و سنی در امر رهبری

۷

صفحه	عنوان
۱۳۲	مبحث پنجم ، بررسی رهبری خلفای راشدین
	مبحث ششم ، پژوهش در فرمان حضرت علی علیه مالک اشتر نخعی
۱۴۷	"دستور العمل رهبری اسلامی"
۱۶۷	مبحث هفتم ، انحراف از رهبری صدر اسلام
۱۷۵	خلاصه گفتار
۱۸۴	فصل چهارم: رهبری از دیدگاه مکاتب "بلوک" شرق و غرب
	بخش اول
	مبحث اول ، نظریات اندیشمندان بزرگ علم سیاست و رهبری
۱۸۷	(از ماکیاوولی تا مارکس)
۲۱۹	مبحث دوم ، ایدئولوژی کمونیسم
۲۳۰	مبحث سوم ، تعمقی در نظریات مارکس ولنین
	بخش دوم
۲۵۰	مبحث اول ، عوامل نبرد سیاسی و رهبری "در جوامع غرب و شرق"
	مبحث دوم ، نهادهای موثر در رهبری غرب و شرق (بعنوان ابزار
۲۶۸	عمل رهبری)
۲۸۹	مبحث سوم ، دموکراسی ، واژه آشنا در رهبری غرب و شرق"
۳۰۳	خلاصه گفتار
۳۰۹	فصل پنجم: تطبیق و رویارویی دیدگاهها
۳۰۹	مبحث اول، جهان بینی از دیدگاه سه مکتب
۳۳۰	نتیجه
۳۳۲	مبحث دوم، انسان از دیدگاه سه مکتب

از انتشارات انجمن علمی ایران
تألیف: دکتر محمد باقر...

صفحه	عنوان
۳۶۱	نتیجه
۳۶۹	مبحث سوم، تطبیق عوامل سیاسی مؤثر در رهبری جوامع
۳۶۹	فرد و اجتماع
۳۹۳	نتیجه
۳۹۴	آزادی
۴۱۲	نتیجه
۴۱۶	حاکمیت و قانون
۴۲۳	نتیجه
۴۲۵	مبحث چهارم، تطبیق عوامل اقتصادی مؤثر در رهبری جوامع
۴۲۵	سیستم های اقتصادی
۴۲۹	نتیجه
۴۵۲	مالکیت
۴۵۷	نتیجه
۴۵۹	بررسی انگیزه های اقتصادی
۴۶۷	نتیجه
۴۷۰	نتیجه گیری کلی
۴۸۱	فهرست منابع و مآخذ فارسی
۴۹۱	فهرست منابع و مآخذ انگلیسی
۴۹۲	فهرست مجلات

الف

بسمه تعالی

مقدمه

بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه و تشکیل دولت سوسیالیستی شوروی و تولد کشورهای افماری آن جهان بدون نوع سیستم رهبری یا دابلوک رهبری تقسیم کردید. ۱- بلوک سرمایه داری غرب به ریاست آمریکا ۲- بلوک سوسیالیستی شرق "عمدتاً" به زعامت روسیه شوروی. کشورهای جهان سوم اگرچه از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی جغرافیائی هیچ شابهتی به این دو ابر قدرت ندارند، اما، به تناسب وابستگی و حسندگی خود به یکی از دو ابر قدرت، یا از سیستم سرمایه داری غرب جانبداری مینمایند و با تقلید از ممالک غربی، مبلغ اصول سرمایه داری، دموکراسی و لیبرالیسم میباشند. سعی میکنند، سیستم حکومتی خود را به صفت های مذکور موصوف نمایند و به اصطلاح ادای دموکراسی را در بیاورند، و یا از بلوک شرق و سوسیالیسم جانبداری مینمایند و بدون توجه به نظریه مارکس و انگلس یعنی فرارسیدن "زمان ظهور سوسیالیسم"، حکومت کمونیستی برقرار مینمایند و تولد طفل نارس کمونیسم را قرن ها قبل از رسیدن موقع زایمان و بروز سرنیزه اعلام میکنند و جشن میگیرند. پس میتوان گفت که تمام کشورهای جهان

علیرغم اینکه در نیمکره غربی واقع باشند و یا در شرق اروپا و شمال آسیا قرار داشته باشند، یا زیر نفوذ غرب اند و در واقع سیاستها و هدفهای آنان را عموماً " غرب تعیین میکند و یا زیر نفوذ شرقند و برنامه های حکومت آنان معمولاً"، متأسفانه از دستورات ابر قدرت های شرق میباشند و عملاً "بیش از دو نوع طرز تفکر رهبری برجهان حاکم نیست، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در نقطه ای از پهنه بی کران گیتی، سیستم حکومتی جدیدی پایه عرصه وجود نهاد که جهان بینی، ایدئولوژی و استراتژی رهبری خود را بر اساس تعالیم عالیه اسلام بنیان نهاده و شکل نو و جدیدی از رهبری بنام رهبری اسلامی را به جهانیان معرفی نمود، که تفاوت اساسی با شیوه های رهبری دو بلوک غرب و شرق دارد.

راستی، رهبری اسلامی چیست؟

آنچه را که تاریخ نشان میدهد، حکایت از این دارد که رهبری اصیل اسلامی تنها در صدر اسلام اعمال گردیده و پس از انتقال خلافت به خاندان بنی امیه، انحرافات بسیار جزئی در رهبری اسلامی که در زمان خلافت عثمان به چشم میخورد، تبدیل به انحرافات عمیق گردید و پس از انتقال خلافت به عباسیان نیز حکومت های جور و فساد، قرن ها بنام اسلام حکومت کرده و اسلامی

واژگونه رابه تاریخ بشریت تحمیل نمودند. خوشبختانه تعالیم عالیه قرآن و اسلام از چنان درخشندگی و پویندگی برخوردارند که توانسته است، علیرغم اینکه در طول ۱۴ قرن در زیر پوششی از زنگار انحرافات و موهومات قرار داشته است و از هر طرف تازیانه شیطان بر آن وارد میگردد، اصالت خود را حفظ کند و همچون طلای ناب و فساد ناپذیر همواره در مقابل همه حوادث و ناگواریها با سرافرازی مقاومت نماید، و این خاصیت اصیل و اساسی رهبری اسلامی است که بدلیل برخورداری از جهان بینی وحدت گرا و کل نگر خود و نیز دارا بودن خاصیت دینا میکی و با اتکاء بر عقاید الهی و خلل ناپذیر خود در هر زمان و مکان، قابلیت پیاده شدن و اجراء را دارد. این مطلب بسیار با اهمیت است که بدانیم، جنبش دینی و سیاسی اسلام، که یک نهضت فکری و اعتقادی است در آغاز قرن هفتم میلادی در بطن جامعه متشکست و بین مردمی پراکنده و سلجشورت و آزاد از تبعیت قدرت برتر که زندگی صحرائی را کمال مطلوب دانسته و قدرت را در غارت و چپاول هستی دیگران و جنگ و ستیز، میپنداشتند، به وقوع پیوسته است و در طول ۱۴ قرن حکومتها و امپراطوری های عظیمی را زیر لوای خود شکل بخشیده است، برای رهبری خود، چه معیارها و موازینی را برگزیده است؟ و آیا این موازین و معیارها، هنوز هم نفوذ و اثربخشی خود را دارا میباشند؟

اسلام که یک مذهب متکی بر اصول مکتب توحیدی است، از ۱۴ قرن پیش به اینطرف همواره به عنوان یک دستورالعمل جامع، برای هدایت انسانها در دسترس بوده است و چنانچه بشر، بتواند آنرا درک کرده و به مرحله اجرا درآورد، علاوه بر رستگاری در دنیا و اخروی، در این جهان نیز زندگی سعادت مندی را خواهد گذارند، زیرا اسلام دینی است موجه، منطقی و معتدل که با تعالیم و احکام آموزنده خود نیروهای جسمی و روانی و فکری انسان را در طریق نیل به آرمان و مقاصد جاویدان و آرامش باطنی و زندگی سالم، بر اساس صحیحی هدایت میکنند تا از افراط و تفریط بدور بوده و عادلانه و منصفانه اتحاد و یگانگی را شعار زندگی خود ساخت و عموم مردم از صفا و صمیمیت و برابری و برادری برخوردار شوند. بطور کلی اسلام راستین، مکتب فرزاندگی، و ارستگی و آزادی است. اسلام برای انجام مقاصد عالیه خود به امر رهبری تاءکید بسیار میکند و رهبری را زائیده شرایط اجتماعی و مقتضیات زندگی جوامع بحساب نمی آورد، بلکه آنرا احتیاجی اصیل و عمومی میدانند و معتقد است موجودات همواره مورد هدایت میباشند " لکل شیئی هاد " و هادی بزرگ خداوند متعال و بعد از آن پیامبران و امامان معصوم هستند که افراد بشر را در

جهت رستگاری و کامیابی رهنمون میباشند، یا ایها الذین آمنوا طيعوا الله
الرسول واولوالامر منكم^(۱) اسلام در امر رهبری، تنها به وضع تئوری و ارائه نظریات
سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نمی پردازد بلکه جهت اجرای نظریات و تعالیم
خود، راه حل ارائه میدهد. الگوی رهبری و سازمانی معرفی میکند و برای
بعد تشکیلاتی خود اهمیت خاصی قائل است. امروزه بسیاری از مردم معتقدند
که اسلام مذهبی است، کد در زمان ظهور خود بسیار مرقی، و حاوی نکات برجسته ای
بوده است. که قابل ستایش و تمجید است. اما امروزه پس از گذشت ۱۴ قرن و پیشرفت
همه جانبه بشر در زمینه های علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و به خصوص در قرن حاضر
که قرن اکتشاف اقامت رکیهانی است، رهبری اسلامی طراوت و اثربخشی مثبت خود
را از دست داده است. اینان معتقدند که رهبریهای موجود یعنی رهبری ممالک
غرب و شرق، بیشتر با اوضاع و احوال بشر امروز همساز است. این نوع رهبری
ها دارای جنبه های مرقیانه^۳ ای هستند که رهبری اسلامی فاقد آنست البته، این
طرز بیان، زیاد قابل انتقاد نیست زیرا کسانی این مطالب را اظهار میدارند
که آگاهی کامل و کافی از رهبری اسلامی کسب نکرده اند و شناخت آنان از اسلام
بیشتر ناشی از مطالعه و شناخت حکومتها و رهبری خلفای به اصطلاح اسلامی^۴، از
بنی امیه و بنی عباس گرفته تا خلفای عثمانی^۵ در اوایل قرن بیستم است.

اینان با مبانی استراتژی و شیوه رهبری در صدر اسلام بیگانه اند و از آن اطلاع زیاد و درستی ندارند و یا، آشنائی دارند اما، جهان بینی و نحوه تفکر آنان و پیش داوریهای ذهنی مجال این را نمیدهد تا حقیقت بینا نه و بی نظریه اسلام و رهبری آن بنگرند. برخلاف این نظریه دسته دیگری معتقدند که چنانچه، مبانی ایدئولوژیکی اسلام بخوبی شناخته و تحلیل گردند، رهبری موفقیت آمیز و برجسته صدر اسلام، در هر جامعه ای فارغ از زمان و مکان معینی قابل تحقق و تکرار است. ما در این رساله ضمن تشریح زمینه های اجتماعی ظهور اسلام، عوامل و چگونگی رهبری را در صدر اسلام (نظری و عملی) مورد مطالعه و بررسی قرار میدهیم و سپس رهبری از دیدگاه سیستم های سرمایه داری غرب و سوسیالیستی شرق مورد بررسی قرار خواهد گرفت. و آنگاه برای حصول نتیجه، عوامل سیاسی، اجتماعی و انسانی رهبری را در سه جهان بینی اسلام، غرب و شرق، در یک رویارویی مستقیم و بی طرفانه مورد تطابق و سنجش قرار میدهیم، تا جایگاه رهبری الهی - توحیدی اسلامی نسبت به رهبریهای غیر مذهبی غرب و ضد مذهبی شرق، معلوم و مشخص گردد.

فصل اول ، کلیات

فصل اول = کلیات

۱- انگیزه تحقیق : دیرزمانی است که اینجانب علاقه به مطالعه در عقاید و رهبری اسلامی پیدا نموده ام. آنچه من از مطالعاتم در این زمینه برداشت کرده ام اینست که اسلام دارای نکات و ویژگیهای برجسته ای است که چنانچه درست و منطقی وبدون تعصب تخریبی بکار گرفته شوند، در هر جامعه ای و در هر زمان و مکانی قابل پیاده شدن و اجرا میباشند. از طرفی این طرز تفکر از جانب عده زیادی مطرح است که رهبری غربی با روح آزادی طلبی و ترقی خواهی خود، در جهت سعادت بشر میکوشد، در حالیکه روشنفکران و طرفداران شرق مدعی اند که، عدالت اجتماعی و بازگشت به خویش را با ید در اصول رهبری مکتب ما رکسیم جستجو کرد. لذا پس از اینکه مسئله انتخاب موضوع رساله مطرح گردید. با مشورت با اساتید ارجمند و به خصوص جناب آقای دکتر میرزائی و با برخورداری از ارشادات عالمانه ایشان این موضوع را برگزیدم ، تا با مطالعه نظام رهبری و اجتماعی صدر اسلام و دو مکتب بوژوا - لیبرالیستی غرب و سوسیالیستی شرق ، آنان را در یک بررسی تطبیقی مورد ارزیابی قرار دهیم، تا روشن شود، کدامیک از این انواع رهبری برای انسان مؤثرتر و مفیدتر است .